

کلماتی که از جانب خدا می آیند و چیزی جدید را می آفرینند افسسیان ۱، ۳ تا ۱۴

متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح، که ما را در مسیح به هر برکت روحانی در جایهای آسمانی مبارک ساخته است. ۴. زیرا پیش از آفرینش جهان ما را در وی برگزید تا در حضورش مقدس و بی عیب باشیم. و در محبت، ۵ بنا بر قصد نیکوی اراده خود، ما را از پیش تعیین کرد تا به واسطه عیسی مسیح از مقام پسرخواندگی او برخوردار شویم؛ ۶ تا بدین وسیله فیض پر جلال او ستوده شود، فیضی که در آن محبوب به رایگان به ما بخشیده شده است. ۷. در او، ما به واسطه خود وی رهایی یافته ایم، که این همان امرزش گناهاست، که آن را به اندازه غنای فیض خود، ۸ همراه با حکمت و فهم کامل، به فراوانی به ما بخشیده است. ۹. او راز اراده خود را به ما شناسانید، بنا بر قصد نیکوی خود که در مسیح نمایان ساخت. ۱۰. به جهت اداره امور کمال دوران و آن اراده این است که همه چیز را، خواه آنچه در آسمان و خواه آنچه بر زمین است، در یکی یعنی مسیح گرد آورد. ۱۱. ما نیز در وی میراث او گشتیم، زیرا بنا بر قصد او که همه چیز را مطابق رای اراده خود انجام می دهد، از پیش تعیین شده بودیم. ۱۲. تا ما که نخستین کسانی بودیم که به مسیح امید بستیم، مایه ستایش جلال او باشیم. ۱۳. و شما نیز در او جای گرفتید، آنگاه که پیام حقیقت، یعنی بشارت نجات خود را شنیدید؛ و در او نیز چون ایمان آوردید، با روح القدس موعود مهر شدید، ۱۴ که بیعانه میراث ماست برای تضمین رهایی آنا که از آن خدایند، تا جلال او ستوده شود.

استفاز از سر تا پا زخمی شده است. بدن او بر اثر مواد مخدر، بی توجهی و شب های زیادی در سرما بودن بدون تغذیه کافی کاملاً آسیب دیده است. اما بدتر از بدن او، چیزی است که در درون او نهفته است. در درون او مواد مخدر است که زندگی او را به ورطه می کشاند. گاه او چیزی مانند کفشش را در دست می گیرد و آن کفش را چنان رقت انگیز ناسزا می گوید و فحش می دهد گویی آن کفش مقصر تمام بدبختی اوست. اما روزهایی هم وجود دارند که می توانید به طور معمول با استفاز صحبت کنید. در چنین روزهایی او به خوبی درک می کند که مسئولیت زندگی خودش را در دست دارد و باید برای درمان اعتیاد به بیمارستان برود. اگر آن کار را انجام ندهد، خواهد مرد. اما بیشتر اوقات حدس می زنم که استفاز چیزی بیش از کلمات نیاز دارد تا پیشرفت کند. او به کلمات خلاقانه ای نیاز دارد که به قول آنها عمل کند. استفاز در واقع مثل همه ماست. ما به حال خود رها شده ایم، و محکوم به فنا هستیم. ما به کلمات خلاقانه ای نیاز داریم که چیز جدیدی خلق کنند.

در کتاب مقدس ما چنین کلمات خلاقانه ای را که فراتر از کلمات معمولی هستند می بینیم. آنها کلماتی هستند که از هیچ، چیز جدیدی تولید می کنند. چنین کلماتی در نامه به افسسیان نیز آمده شده هستند که همین الا خواندیم: «متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح، که ما را در مسیح به هر برکت روحانی در جایهای آسمانی مبارک ساخته است.» در اینجا از برکت صحبت می شود. و برکت سخنی است که چیزی از هیچ می آفریند. جالب اینجاست که برکت به دو طرف می رود: یعنی ما خدا را برکت می دهیم و خدا بر ما برکت می دهد. اما این فقط در نگاه اول است. در نگاه دوم می بینیم که منشأ نعمت از جانب خداست و از او شروع می شود. خدا به ما برکت می دهد. و تنها در این صورت است که دروازه های بهشت گشوده می شوند و برکات در هر دو جهت از سوی خداوند به سوی ما و به سوی خداوند جاری می شوند. امروز ما جشن تثلیث را جشن می گیریم. ما ذات خدا را همانطور که در پدر، پسر و روح القدس بر ما آشکار شده است، جشن می گیریم. در واقع، تثلیث را فقط می توان با ستایش و برکت بزرگ جشن گرفت. همه فلسفه های عقلانی در مورد ذات خداوند محکوم به شکست هستند. ما نه می توانیم خدا را توضیح دهیم و نه ماهیت او را درک می کنیم. اما می توانیم با تعجب بنگریم چه کاری را برای ما آشکار کرده است. این دقیقاً همان کاری است که در افسسیان انجام می شود. با شگفتی و برکت، نامه به افسسیان ما را به سفری به سوی خدا می برد. چرا این نامه جرات این کار را دارد؟ اولاً، زیرا خدای پدر ابتدا با ما صحبت کرده بود. دوم به این دلیل که خدا از طریق عیسی انسان شد و سوم به این دلیل که روح القدس به ما اطمینان می دهد.

اولاً فقط به این دلیل که خدا با ما صحبت می کند، می توانیم به نوبه خودمان درباره او صحبت کنیم. وقتی در مورد خدا صحبت می کنیم، در واقع باید جلوی دروازه های بهشت، جایی که فرشتگان مراقب از ورود ما جلوگیری می کنند، توقف کنیم و بگوییم: «قدوس، قدوس، قدوس!» ما مردم فانی هستیم و هیچ ربطی به خدا نداریم! ما اساساً نمی توانیم به خدا نزدیک شویم. نه با افکار مانده و نه با دعاهايمان در واقع، ما نمی توانیم حتی نام خدا را ذکر کنیم. اما خدا خودش از اول ما را در فکر خود نگاه داشته و با ما سر و کار داشته است. و تنها به این دلیل است که درهای بهشت باز می شوند و ما هم می توانیم از خدا صحبت کنیم. ما فقط می توانیم از آن شگفت زده شویم. این می توانست متفاوت باشد. یعنی بعد از اینکه ما از او دست کشیدیم، خدا نیز به نوبه خود از ما دست بر دارد. او می توانست بگوید ما انسانها چیزی بیش از یک آشیان مورچه نیستیم که می توان آن را به حال خود رها کرد. اما آن کار را انجام نداد. تنها دلیلی که ما اینجا هستیم این است که خدا ما را می خواست و هنوز هم ما را می خواهد. او ما را دقیقاً همانطور که هستیم می خواهد. او ما را انتخاب کرده تا زندگی کنیم. او تصمیم گرفته به چه زبانی صحبت کنیم و چه شکلی باشیم. خداوند شخصاً به تک تک ما رسیده است. خدا می خواست که مردم فرزندان او باشند - فرزندان که آنها را برای زندگی ابدی به دنیا می آورد و آنها را برکت می دهد و با خود شراکت می بخشد. نه فقط یک بار بلکه هر روز.

این اراده خدا یک فرآیند روحانی نیست که تنها در بهشت دور از ما اتفاق می افتد. با وجود این که تصمیم و انتخاب خداوند برای ما فرار تر از توانایی ماست، این در بهشت باقی نمی ماند، بلکه در اینجا روی زمین به سراغ ما می آید. خدا از طریق عیسی مسیح وارد تاریخ ما شد. خدا از طریق عیسی مسیح خود را در زندگی ما آشکار کرد. بنابراین عیسی مسیح یک ایده نیست، نه تنها یک تجربه عرفانی، بلکه یک انسان مثل ما است. و هنگامی که تممید می گیریم، عیسی نه تنها به ما توضیح می دهد چه کاری می خواهد برای ما انجام دهد بلکه خودش آن کار را می کند. اینطور عیسی در زندگی ما انسان می شود. و وقتی عیسی مسیح می گوید: «این بدن من است» و «این خون من است» یعنی «این برای تو است!» عیسی در ما انسان می شود. با ما یکی می شود. آنچه که او بر روی صلیب برای ما انجام داد به زندگی ما وارد می شود. و همچنین با ما به دنیا می رود. سالها پیش خداوند یک بار به ابراهیم گفت: "تو یک برکت خواهی بود و من تو را برکت می دهم!" ما برکت داریم و برکات همچنان از ما جاری می شود. همه این ها اتفاق می افتاد چون عیسی در ماست! سؤال این است که چگونه این همه اتفاق می افتد. ممکن است من چیزهای زیادی از کتاب مقدس بدانم. ممکن است نشانه های کتاب مقدس را یاد بگیرم. اما به نوعی همه چیز نظری باقی می ماند و من نمی دانم خدا چه ربطی به زندگی من دارد. مانند استفان در مثال اولیه ام، من نیز می توانم هزاران کلمه را بشنوم، اما آنها به نوعی هیچ اثر یا قدرت خلاقیتی ندارند. می توانم آن را اینگونه مقایسه کنم: در شهر ما و در خانه های ما، آب از لوله های زیادی می گذرد. اما آب از یک منبعی می آید. هر شیر آب باید به این منبع وصل شود. بدون این اتصال آب نمی تواند جریان یابد. اگر بخواهم از خودم شروع کنم، مثل کسی می شوم که با یک شیر آب بدون اتصال به منبع دست و پنجه نرم می کنم. هر چقدر هم که روی آن کار کنم، تا زمانی که اتصال به منبع درست نباشد، هیچ اتفاقی نمی افتد. من به عنوان یک مسیحی، می توانم از خودم بپرسم: «کجا مدرکی وجود دارد که همه کار های خدا برای من صادق هستند؟» و خدا به طور خاص در زندگی من کجا کار می کند، من همچنین از خودم می پرسم: "آیا من مسیحی هستم وقتی هنوز این همه ضعف و اشتباه در زندگی من وجود دارند؟" آیا اینها همه نشانه از این نیست که خدا هنوز وارد زندگی من نشده است؟» در ابتدا گفتم که برکت از خدا شروع می شود. خدا قبل از هر زمان ما را در مسیح انتخاب کرد. پس برکت از بالا سرازیر می شود و بنابراین به تنهایی ایماز ممکن است. وقتی برکت از جانب خدا می آید هیچ شکی در این مورد نیست. روح القدس این ارتباط محکم و مطمئن با خداست. وقتی از روح القدس صحبت می شود، پولس در آفسسیان به ما می گوید که روح القدس تعهدی است که ما با آن مهر شده ایم. این کلمه را می توان به عنوان ضمانت نیز ترجمه کرد. اگر من نیاز به خرید چیز بسیار با ارزش و گرانی داشته باشم، قیمت کامل را نمی پردازم، بلکه یک تعهد می دهم. در عین حال این تعهد قراردادی است که نشانه می دهد که کل مبلغ در آینده پرداخت خواهد شد. نکته شگفت انگیز در این موضوع این است که خود خدا این تعهد را در روح القدس می دهد. بنابراین همه چیز از جانب خداوند روشن و محکم است. او خود ما را مهر زده است. واضح است که ما روح القدس را به عنوان تعهد دریافت کرده ایم. این به این معنی است که ما تمامیت آن را نداریم زیرا هنوز روی این زمین زندگی می کنیم. با این وجود، ما شفافیت و گشایش کامل به سوی خدا داریم. و برای اینکه کاملاً مطمئن شویم، خداوند جاهایی را که آب از او به سوی ما جاری می شود، تعیین کرده است. خدا جایی به ما داده است که ما بتوانیم اطمینان داشته باشیم که او در آنجا است. آن مکان کلام اوست. آنها مکانهایی هستند که در آن شام آخر و تممید دریافت می کنیم. خدا را شکر که این مکانها اختراع ما نیست، بلکه خود خداوند آنها را تعیین کرده است. به همین دلیل است که می توانیم همیشه به گسترش این کلمات زنده ادامه دهیم. از بهشت به ما و از ما به دیگران آمین.